



واحد مشهد

# جزوه نظریات فرسنگی

استاد ارجمند:

جناب آقای برات نژاد

گردآوری:

فرهاد حیدری

زمستان ۱۳۹۰

## تمدن : civilization

تمدن به لحاظ لغوی به معنای شهرنشینی است یعنی خلق و خوی شهرنشینی را به خود گرفتن . باستان شناسان تمدن را به وجود آثار باستانی و هنری ربط می دهند ، مورخین میراث گذشته بک جامعه را که به نسل آینده منتقل می شود را تمدن می نامند . سیاسیون آن را برقراری روابط خارجی و حسن جریان امور داخلی کشور تعبیر می کنند و جامعه شناسان تمدن را حالتی شرقی می دانند که ملت ها در پرتو آن تحت تاثیر دانش های جدید قرار می گیرند . تمدن بیشتر به ظواهر زندگی اجتماعی توجه دارد ، اما آنجا که پای معنا به میان می آید به فرهنگ تبدیل می شود .

## فرهنگ و تمدن اسلامی :

تمدن اسلامی یعنی آن ویژگی های زندگی اجتماعی که متأثر از اسلام است یعنی تمدنی که به وسیله اعراب ، ایرانیان ، ترک ها و دیگران با توجه به آموزه های اسلامی شکل گرفته است .

## تمدن اسلامی به ۲ دوره مشخص قابل تقسیم است :

**دوره اول :** از آغاز دعوت اسلامی و پیدایش اسلام در قرن هفتم میلادی تا سقوط بغداد به دست هلاکو خان مغول

**دوره دوم :** با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومت هایی مثل عثمانی و صفوی تا اواسط قرن هجدهم میلادی

## نظریه های فرهنگی در قرن بیستم

### علل و انگیزه های نظریه پردازی درباره فرهنگ در قرن بیستم :

۱. مهاجرت های گسترده و افزایش بی سابقه تماس ها و ارتباطات فرهنگی موجب توجه فزاینده به تفاوت های موجود میان فرهنگ ها شده است .
۲. در خود کشورهای غربی بعد از جنگ جهانی دوم صحنه فرهنگی کاملاً دگرگون شده و صنعت فرهنگ نوعی آمیختگی میان تجارت و فرهنگ به وجود آورده است .

۳. گسترش شبکه های ارتباطی در سطح جهان موجب شد تا رسانه ها نقش عمده ای در اشاعه و گسترش فرهنگ مدرن ایفا کنند .

۴. تكثر فرهنگ ها مثل فرهنگ توده ای ، فرهنگ جوانان ، فرهنگ قومی ، فرهنگ پست مدرن و مانند آنها گسترش مطالعات فرهنگی را ضروری ساخته است .

۵. فرایند جهانی شدن فرهنگ واكنش های مقاومت آمیزی را برانگیخته و ضرورت بررسی روابط میان فرهنگ و قدرت در سطح جهانی را آشكار ساخته است .

### برخی ویژگی های فرهنگ توده ای مدرن :

۱. در مقابل فرهنگ سنتی ، والا ، نخبگان و ... قرار گیرد .
۲. برخاسته از متن زندگی مردم عادی است .
۳. با ملاک کمی فرآورده هایی متعلق به فرهنگ توده ای هستند که مورد علاقه و استفاده شمار کثیری از مردم باشند و با ملاک کیفی بیشتر طبقات پایین جامعه مصرف کننده آن هستند .
۴. تولید و مصرف فرهنگ از یکدیگر جدا است . فرهنگ نوعی تفنن است و به سلیقه های رایج توجه دارد و به جای مسائل جدی به مسائل احساسی که مهمترین آنها خشونت و سكس هستند توجه دارد .
۵. فرهنگ توده ای بیشتر محصول جوامع مرفه با تولید انبوه است که مهمترین دغدغه آنها فروش کالا است .
۶. به نظر برخی فرهنگ توده ای همان فرهنگ آمریکایی است که در حال تبدیل شدن به فرهنگ جهانی است . برخی دولت های توتالیتار ( متمرکز و استبدادی ) مانند شوروی و آلمان از آنجا که از رسانه ها برای بسیج توده ها استفاده می کردند در ترویج این فرهنگ نقش ایفا کردند .

### سه معنای فرهنگ توده ای عبارتند از :

۱. فرهنگی که برای مردم تولید می شود : مردم جزئی از بازار و یا مصرف کنندگان آن هستند و فرهنگ مجموعه ای از فرآورده هایی است که تولید شده و به مصرف می رسد .
۲. فرهنگی که از آن مردم است : یعنی فرهنگ مجموعه فرآورده ها و عقاید ، ارزش ها و علایق عامه مردم را منعکس می کند مانند ویژگی های اخلاقی ، زیبایی شناختی یا ایدئولوژیک

۳. فرهنگی که به وسیله مردم تولید می شود : فرهنگ توده ها همان زندگی روزمره و کردارها و شیوه های عمل مردم است و منظور از مردم هم بیشتر طبقات پایین جامعه هستند .

برخی سؤالات مربوط به فرهنگ توده که نظریات به آنها پاسخ می دهند .

۱. آیا فرهنگ توده ای مدرن پدیده ای خود جوش و نتیجه طبیعی تحولات عصر مدرن است یا ساخته برخی گروه های خاص برای اهداف خاص ( کنترل اجتماعی ) به عبارت دیگر این فرهنگ از پایین شکل گرفته یا از بالا تحمیل می شود ؟

۲. آیا فرهنگ توده ای نسبت به فرهنگ متعارف پست و منحط است و باید به وجود ۲ فرهنگ قائل شد ؟

۳. چه رابطه ای میان گسترش زندگی تجاری و صنعتی با ظهور این فرهنگ وجود دارد ؟

۴. آیا این فرهنگ تضمین کننده تداوم سلطه طبقات حاکم و نظام سرمایه داری است یا مقاومتی است در برابر سلطه این طبقه ؟

۵. فرهنگ توده ای مدرن به چه شیوه ای تولید و بازتولید می شود و چه پیامدهایی برای زندگی فردی و جمعی دارد ؟

۶. آیا میان ساختار قدرت در سطح ملی یا جهانی و فرهنگ توده ای پیوندی اساسی وجود دارد یا اینکه فرهنگ توده ای مدرن خود در برابر قدرت ایدئولوژیک مقاومت میکند ؟

نظریه های محافظه کارانه درباره فرهنگ توده ای :

۱. علل توسعه و گسترش فرهنگ توده ای چیست ؟

به نظر محافظه کاران شهرنشینی ، صنعتی شدن ، مهاجرت ، نوسازی و ... باعث شده اند که جامعه توده ای شوند . محافظه کاران بر این باورند که علل گسترش فرهنگ توده ای جامعه توده ای است . ( یکی از عوامل مهم توده ای شدن جامعه دموکراسی است ) محافظه کاران معتقدند که اندیشه دموکراسی به تدریج سبب یکسان سازی و کاهش تفاوت ها شده است در نتیجه جامعه توده ای شکل گرفته است لذا بر خلاف جامعه سنتی که در آن به علت تمایزهای میان افراد فرهنگ برتر یا فرهنگ نخبه ای ( غیر توده ای ) به

راحتی شکل می گیرد . بنابراین محافظه کاران معتقدند که اقلیتی از مردم مانند روشنفکران یا دانشمندان ممکن است بتوانند در مقابل فرهنگ توده ای مقاومت کنند و مردم عادی به تدریج توده ای می شوند .

نظریه پردازان در این زمینه عبارتند از :

✓ مارتیو آرنولد ( نویسنده انگلیسی ) : ( فرهنگ و آنارشی )

به نظر وی فرهنگ مجموعه معارف و یا بهترین اندیشه ها و کردارهای آدمیان است که موجب غلبه عقل و اراده الهی بر جهان می گردد . فرهنگ درون مایه تمدن است اما فرهنگ توده ای به سمت آنارشیسم حرکت می کند ( آنارشیسم یعنی هرج و مرج ) بنابراین وظیفه کنترل نیروی ویرانگر آنارشیسم است که در فرهنگ توده های بی فرهنگ تجلی می یابد . وضع آنارشیسم از قرن هفدهم آغاز شده و با قیام طبقه کارگر در قرن ۱۹ به اوج خود رسیده است . فرهنگ راستین با سنت ، قدرت و دولت نسبتی نزدیک دارد . آموزش و پرورش نیز باید در خدمت فرهنگ قرار گیرد و بالاخره اینکه اکثریت همواره اشتباه می کند و نمی تواند که حقیقت را دریابند تنها نخبگان معدودی توانایی درک حقیقت را دارد .

✓ لیویس : ( آمریکایی شدن فرهنگ )

ویژگی اصلی قرن بیستم بحران فرهنگی یا تنزل عمومی فرهنگ است که در یکسان سازی ، استاندارد سازی و تسطیح ( مسطح شدن ) فرهنگی تجلی می یابد . فرهنگ به معنای واقعی کلمه همواره پرورده اقلیت هایی بوده است که پاسدار سنت های ارزشمند هستند اما تمدن توده ای امروز درحال توسعه فرهنگی است که به گسترش هرج و مرج منجر خواهد شد بنابراین اقلیت های فرهنگ پرور باید مقاومت کنند . کارکرد اصلی فرهنگ توده ای ایجاد گریزگاهی کاذب از واقعیت های نامطلوب زندگی مدرن از طریق تشویق خیال پردازی و تخیل گرایی است این فرهنگ زندگی عاطفی و بطور کلی کیفیت زندگی را پایین آورده است .

✓ خوزه اورتگا ( متفکر و استاد فلسفه در اسپانیا ) :

فرهنگ توده ای مدرن محتوایی جز پوچی و پوچ گرایی اخلاقی ندارد و شهرهای پر جمعیت و پرازدحام زمینه بروز چنین فرهنگی را فراهم ساخته اند . توده ها دارای امیال ، اندیشه ها و شیوه های خاص زندگی خویش هستند . انسان توده ای کسی است که از خودش انتظار خاصی ندارد اما انسان غیر توده ای خود را

متفاوت می داند و از خود انتظاراتی دارد . فرهنگ توده ای همه را مساوی می کند و تفاوت ها را از بین می برد . لذت گرایی اصل اساسی فرهنگ توده ای است . ظهور فرهنگ توده ای بزرگترین خطر برای جامعه و فرهنگ سنتی است . فرهنگ نیازمند معیار است اما فرهنگ توده ای فاقد ملاک و این معیار است ، توجه به بدن و لباس و تفریح اساس فرهنگ توده ای است .

### مکتب تجدید نظر طلب یا اصالت فرهنگ ( در ارتباط با فرهنگ توده ای ) :

در تجزیه و تحلیل های این مکتب بر خصلت آگاهانه و خودجوش بودن این فرهنگ به جای ساختگی بودن آن تاکید می شود . بطور کلی در مکتب تجدیدنظر طلبی که میزانی از اصالت برای فرهنگ توده ای بعنوان بازتاب ذوق عامه مردم قائل است تمیزی میان اشکال و انواع مختلف فرهنگ و فرآورده های فرهنگ توده ای صورت می گیرد برخلاف محافظه کاران به نظر این مکتب کل فرهنگ توده ای را نمی توان بعنوان فرهنگی منحط و منحرف تلقی کرد اگرچه فرآورده های چنین فرهنگی برای مقاصد تجاری تولید می شوند و از این حیث فاقد اصالت هستند لیکن از سوی دیگر احساسات واقعی و اصیلی را برجسته می سازند .

### ✓ ریچارد هوگارت :

به نظر او ویژگی مهم فرهنگ توده ای جنسیت و خشونت است . فرهنگ طبقه کارگر به تدریج دچار سقوط فرهنگی شده است در عین حال طبقات پایین در برابر فرهنگ مدرن منفعل محض نیستند بلکه تا حدی قدرت تشخیص دارند و این قدرت در ذوق فرهنگی و هنری آنان نمایان است .

### ✓ ریموند ویلیامز :

وی فرهنگ را از ۳ منظر می نگرد :

۱. فرهنگ بعنوان آرمان و کمال مطلوب که در آن ارزش های عام تجلی می یابند : هدف از تحلیل فرهنگی از این منظر کشف و چنان ارزش هایی در زندگی و آثار فرهنگی است .
۲. فرهنگ بعنوان آثار فرهنگی موجود که مظهر اندیشه انسان هستند : هدف از تحلیل فرهنگی نقد و ارزیابی است با توجه به معیارهای مطلق و آرمانی فرهنگ .
۳. فرهنگ بعنوان یک مقوله اجتماعی یا سبک زندگی که در ف ویلیامز مطالعه همین وجه فرهنگ است .

علاوه بر آن ویلیامز معتقد است که فرهنگ در ۳ سطح ظاهر می شود :

۱. فرهنگ زنده هر عصر و مکان که تنها برای مردم آن عصر و مکان قابل فهم است .

۲. فرهنگ آن دوران به نحوی که برای دوران بعد قابل فهم است .

۳. گزینشی که از آن فرهنگ در اعصار بعدی ظاهر می شود

بنابراین به طور خلاصه می توان گفت فرهنگ هر عصر دارای ۳ دسته عناصر است یعنی باقیمانده از گذشته ، عناصر مسلط و عناصر بالنده

نظریه های فرهنگی در فمینیسم : ( فمینیسم یعنی جنبش اجتماعی زنان )

تحولات قرن هجدهم که مقدمه پیدایش فمینیسم شد :

✓ وقوع انقلاب فرانسه

✓ تدوین لایحه حقوق بشر در فرانسه بر مبنای حقوق طبیعی و در عین حال نادیده گرفتن حقوق زنان که منجر به اعتراض آنان گردید .

✓ انقلاب صنعتی و بکارگیری زنان در کارخانه ها با حقوق نابرابر

مراحل اصلی جریان فمینیسم :

➤ موج اول : از اوایل قرن نوزدهم تا سال ۹۲۰ میلادی : دستاوردهای موج اول برای زنان به رسمیت شناختن مالکیت فردی و حق رأی برای زنان است .

➤ موج دوم : از سال ۱۹۶۰ تا کنون ( به رهبری سیمون دوبوار )

شعارهای مهم فمینیسم عبارتند از : برابری کامل ، آزادی مطلق زنان و لزوم انقلاب در فرهنگ و اجتماع .

وجوه اشتراک نظریه های فمینیستی :

۱. زنان به دلیل جنسیت خودشان مواجه به تبعیض هستند .

۲. لزوم از بین بردن این تبعیض ها



### ۳) فمینیسم رادیکال :

در این فمینیسم نهادهای اجتماعی عامل سلطه انسانها بر یکدیگر هستند اما بنیادی ترین ساختار ستمگری مربوط به جنسیت ، مردسالاری و پدرسالاری است .

**اصالت وجود یا اگزیستانسیالیسم :** این مکتب بر این باور است که تمام موجودات عالم ماهیتشان بر وجودشان مقدم است اما انسان موجودی است که وجودش بر ماهیتش مقدم است . خداوند به انسان فقط وجود بخشیده اما ماهیتش را خودش معلوم می کند .

سارس یکی از نظریه پردازان معروف مکتب اگزیستانسیالیسم است .

علت نابرابری و تبعیض نگرش های جنسیتی تبعیض آمیز و راه حل آن انقلاب فرهنگی و اجتماعی علیه مفهوم و واقعیت جنسیت و خانواده بوده و جامعه آرمانی آن جامعه فاقد معنای جنسیت است .

### ۴) فمینیسم فرامردن :

از ویژگی های مهم فرامردن باور به نسبی گرایی است یعنی اینکه هیچ دیدگاه عام و جهانی شمولی درباره فرهنگ وجود ندارد زنان در هر جامعه ای با مسایل و مشکلات خاص خودشان مواجه هستند بنابراین فمینیسم در هر جامعه ای متناسب فرهنگ آن جامعه است و باید پس از تشخیص علت مشکلات به راه حل های خاص خودش برسد .

### ۵) فمینیسم اسلامی :

**شاخصه های مهم فمینیسم اسلامی عبارتند از :**

۱. تفکیک میان دین داری و دین مداری ( سکولاریسم )
۲. تفکیک میان احکام تأسیسی و امضایی اسلام و امضایی دانستن احکام اجتماعی و سیاسی
۳. تشابه حقوق زن و مرد

علت نابرابری را ثابت تلقی کردن احکام قضایی و راه حل آن را پذیرتن تغییر پذیری و عرفی بودن این احکام و جامعه آرمانی را پذیرش تشابه حقوق ، احترام به خانواده و مقام و موقعیت زن می دانند .